

طرح توسعه پیشنهادی آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: دکتر حسن ظهور

(استاد دانشگاه صنعتی شریف و عضو پیوسته)

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران) و دیگران

مترجم: داوود حاتمی

چکیده

هدف این مقاله بررسی موقعیت کنونی آموزش عالی در استانهای مختلف جمهوری اسلامی ایران است: یافته‌ها و پیشنهادها «کمیته برنامه کلان آموزش عالی»، که برای تهیه طرح توسعه نظام آموزش عالی کشور پدید آمد، مورد بررسی قرار می‌گیرد، و سرانجام، چشم‌اندازهایی از این نظام با توجه به توزیع دانشجویان ارایه می‌شود.

دیباچه

کمیته برنامه کلان آموزش عالی، مرکب از یازده عضو*، کار خود را در سال ۱۳۷۲

*- اعضای کمیته: دکتر رضا مکنون، دکتر سعید سهراب‌پور، دکتر علی اکبر صالحی، دکتر علی عباسپور، دکتر حسن ظهور، مهندس سیدرضا هاشمی، دکتر جلیل شاهی، مهندس بیوک ریخته‌گری، دکتر اسفندیار زبردست، مهندس سیدابوالقاسم هاشمی، و مهندس علی اصغر اکبری.

زیر نظر «شورای گسترش آموزش عالی» آغاز کرد. وظیفه کمیته آن بود که برنامه‌ای برای توسعه نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران طراحی کند؛ به همین منظور، در این گزارش، برنامه کلان آموزش عالی برحسب هدفها، راهبردها و سیاستهای مصوب «شورای گسترش» و طرح ۲۵ ساله از سال ۱۳۷۶ به بعد، پیشنهاد شده است. این گزارش جمعیت دانشجویی و نحوه توزیع آنها در استانهای گوناگون، محدودیتهای آنان برای توسعه آموزش عالی، و سهم نامنویسی بخشهای مختلفی را که آموزش عالی در کشور ارایه می‌کنند، در برمی‌گیرد. در این مقاله، نکات یادشده و نیز جنبه‌های کلیدی برنامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

هدفهای توسعه فضاهای آموزشی

- به عبارت روشن‌تر، این هدفها برآنند که، با در نظر گرفتن اولویتهای زیر، میان توزیع جغرافیایی مؤسسات عالی و منابع موجود در هر منطقه به توافقی دست یابند:
- مؤسسات متکی به مناطقی که رفتار کمبود ظرفیت پذیرش هستند؛
 - مناطق حساسی که در آنها نظارت و کنترل و مهاجرت ضرورت دارد؛
 - مناطق دارای اهمیت سیاسی و اجتماعی؛
 - حوزه‌های دارای توان بالقوه (پتانسیل) برای توسعه؛
 - مناطقی که قابلیت بومی برای سرمایه‌گذاری آموزشی دارند؛
 - مناطق محرومی که مستعد سرمایه‌گذاری در سطوح عالی هستند؛
 - تمرکز زدایی محدود در مناطقی که مؤسسات عالی متعددی دارند؛
 - خود - بسندگی محدود همه استانها برای تأمین نیروی انسانی ماهر، بویژه در سطوح مدارج پایین‌تر؛
 - توسعه روابط میان دانشگاهها و مؤسسه‌ها از راه ایجاد شبکه‌های سازمان یافته؛
 - جلوگیری از استمرار برنامه‌هایی که فارغ‌التحصیلان شان در بازار کار به مرز اشباع رسیده‌اند، و تشویق مؤسسات ارایه دهنده این برنامه‌ها به سوی تمرکز بخشیدن بر ادامه آموزش در سطوح پیشرفته‌تر؛
 - گسترش و توسعه آموزش عالی در جهت خود - بسندگی کامل کشور با توجه به در دسترس بودن نیروی انسانی ماهر مورد نیاز.

راهبردها

راهبردهای کلی نظام آموزش عالی هر کشور معمولاً از سویی برپایه نگرشهای طراحان و برنامه‌ریزان، و از سوی دیگر، باتوجه به محیطی که تصمیمها در آن اتخاذ می‌کردند، تعیین می‌شوند. شاخصهای تعیین‌کننده می‌تواند نظام ارزشی حاکم بر جامعه، مقدرات و محدودیتهای نظام آموزشی وقت باشد.

برای ترسیم آینده آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران، درمقایسه با آموزش عالی کشورهای دیگر، کمیته برنامه کلان شاخص شمار دانشجو در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت کشور را به کار گرفت. از این شاخص می‌توان به عنوان ملاک سنجش موقعیت آموزش عالی، و همچنین ملاکی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع گوناگون استفاده کرد.

در سالهای اخیر، گرایش به سمت کنترل و تضمین کیفیت به صورت عاملی تعیین‌کننده برای ارتقای آموزش عالی در همه برنامه‌های تحصیلی و سطوح مدارج گوناگون درآمده است. تأکید بر این گرایش در سالهای آتی بیش از پیش خواهد شد.

برآورد جمعیت دانشجویی

برای مشخص کردن شاخص موردنظر، در وهله نخست، منابع طبیعی و اعضای هیأت علمی حال حاضر مورد مطالعه قرار گرفت و امکان جذب مدرسان در آینده در نظر گرفته شد. شاخص ۲۸۰۰ دانشجو در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت برای سال تعیین شده ۱۴۰۰ مورد تأیید قرار گرفت. رقم یاد شده، یعنی ۲۸۰۰، در واقع یک میانگین است. لازم به یادآوری است که جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰، به حدود ۱۰۰ میلیون نفر برآورد شده است.

شمار کل دانشجویان مؤسسات آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر، به ۱/۱۳۴/۰۰۰ نفر رسیده است. بادر نظر گرفتن نرخ رشد دهه گذشته، انتظار می‌رود که این رقم - اگر تصمیم همان ۲۸۰۰ دانشجو در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت باشد - به ۳/۰۲۴/۰۰۰ سربزند. چون سرشماری اخیر نشاندهنده افت نرخ رشد است، رقم واقعی شمار دانشجو در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت عملاً به ۳۰۲۴ خواهد رسید.

روند توسعه

- مؤسسات قرارگرفته در مقیاس کشوری (ملی) در سطح دانشنامه کارشناسی ارشد و دکتری عمل می‌کنند؛
- مؤسسات واقع در مقیاس منطقه‌ای در سطح دانشنامه کارشناسی ارشد کار می‌کند؛
- مؤسسات جای گرفته در مقیاس استانی در سطح دانشنامه کارشناسی انجام وظیفه می‌کنند؛
- و، مؤسسات مانده در مقیاس ناحیه‌ای، در سطح دانشنامه کاردانی (فوق دیپلم) عمل می‌نمایند.

توزیع دانشجویان در بخشهای گوناگون

بنابر آمارهای داده شده، سهم بخش دولتی از مجموع نام‌نویسی دانشجویی از ۷۷٪ در سال ۱۳۶۷ به ۵۹٪ در سال ۱۳۷۱ تنزل یافت، در حالی که سهم بخش غیردولتی، در طول همین مدت، از ۲۳٪ به ۴۱٪ جهش پیدا کرد. با توجه به پیش‌بینی نام‌نویسی کل دانشجویی در سال ۱۴۰۰، که به شمار ۳/۰۲۴/۰۰۰ خواهد رسید، سهم بخشهای گوناگون به قرار زیر خواهد بود:

درصد

۲۰

بخش دولتی (به استثنای بخش پزشکی)

۱۰

بخش پزشکی دولتی

۱۰

بخش آموزش باز دولتی

بخش دولتی (به استثنای وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و

۱۰

آموزش پزشکی)

۴۵

بخش غیردولتی

۵

بخش آموزش باز غیردولتی

تعیین اولویتها

برنامه کلان آموزش عالی باید برنامه‌های توسعه ملی، اجتماعی و اقتصادی را برای بلندمدت در نظر بگیرد. چنین برنامه‌ای باید بر چهار هدف گسترده استوار باشد:

- تهیه و تدوین سیاست تعیین جا برای جمعیت دانشجویی؛
 - تعیین دامنه توسعه و فعالیتهای مؤسسات عالی کنونی؛
 - مشخص کردن جاهای مناسب برای تأسیس و توسعه دانشگاهها و دیگر مراکز آموزش عالی برحسب اولویت هر منطقه؛
 - تعیین سهم هر مؤسسه در زمان حال و آینده، برحسب نام نویسی.
- به منظور تعیین حوزه‌هایی که بتواند نیازهای ایجاد مؤسسات عالی را در آنها برآورده سازد، همه شهرها با استفاده از شاخصهای کمی منابع و انسانی شان مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

نظامهای آموزش عالی در حوزه‌هایی موفق‌ترند که در آنها پایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محکمی وجود دارد. رفاه ساکنان نیز به همان اندازه حایز اهمیت است. برای شناسایی شرایط همه شهرها به ترتیب اولویت، شاخصهای مربوط به آموزش، بهداشت، فرهنگ، تربیت بدنی، کشاورزی، صنعت، و همچنین تقاضا برای آموزش عالی مورد مطالعه قرارگرفت. پس از مقایسه شاخصهای مزبور، مرتبه اولویت یکایک شهرهای هر استان مشخص گردید. سپس اولویتهای تعیین شده و موقعیت کنونی آموزش عالی در هر استان، در چهارچوب برنامه‌های کلان مؤسسات عالی، مورد مطالعه قرارگرفت، و اماکن موجود سالهای جاری و آتی تخمین زده شد و کمبودها شناسایی گردیدند.

توزیع جمعیت دانشجویی در استانها

در هر استان، شاخص شمار دانشجویان در هر ۱۰۰/۰۰۰ جمعیت، باتوجه به امکانات و محدودیتهای بالقوه آنها تعیین گردید. تأسیس شبکه فضاهای آموزشی آموزش عالی صورتی این چنین نهایی پیدا کرد: کشور به ۱۰۸ منطقه براساس دانشگاههای عمده موجود در مراکز استانها تقسیم گردید.

هر منطقه باید شعاعی ۲۵۰ کیلومتری و دست کم ۵۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشد. حداقل جمعیت دانشجویی برای هر استان ۳۰۰۰ نفر خواهد بود. شمار مناطق در استانها از ۱ تا ۱۱ در نوسان خواهد بود.

در گزارش مزبور، برنامه تفصیلی هر استان در بردارنده جزئیاتی به شرح زیر است:

- شمار مؤسسات عالی،
- برآورد جمعیت در سال ۱۴۰۰،
- طبقه‌بندی مناطق آموزش عالی در استان،
- شاخص شمار دانشجو در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت استان، و شمار دانشجو در هر منطقه،
- اولویتها برای تأسیس مؤسسات عالی در مناطق مختلف هر استان،
- توسعه هر مؤسسه عالی در سالهای آینده،
- جدول جمعیت دانشجویی در آن دسته از مؤسسات عالی که زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی عمل می‌کنند.

نتیجه

در حدود دو دهه پیش، شمار دانشجویان در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت فقط ۴۸۸ نفر بود. امروز، این رقم ۱۸۸۸ نفر است، و همچنانکه در این مقاله آورده شد، رقم تخمین زده شده برای سال ۱۴۰۰، ۲۸۰۰ نفر است. رقم تعیین شده اگرچه هنوز کمتر از حد آرمانی است، اما مفهومی معنی‌دار در آن نهفته است. به سخن دیگر، برای نخستین بار در عمر نظام آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران، توجه بسیاری به فراهم کردن زمینه‌ای منطقی برای توزیع عادلانه دانشجویان در همه استانها مبذول شده است. این حرکت را می‌توان تمرکز زدایی محدود یا جزئی آموزش عالی نام نهاد. بدین قرار، نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران در برگزیده بخش آموزش سنتی دولتی/غیردولتی و بخش آموزش باز دولتی / غیردولتی خواهد بود.

همچنانکه در این مقاله بیان شد، کیفیت عامل مهمی برای ارتقای آموزش عالی است و سیاستهای آتی چنان طراحی شده‌اند تا کیفیت را در همه ابعاد آموزش عالی در همه سطوح و مدارج آن بازبینی و تخمین نمایند.

سپاسگزاری

فرصت را مغتنم می‌شمارم و مراتب قدردانی خود را از همه اعضای کمیته، که نامشان در ذیل صفحه اول همین مقاله آمد، ابراز می‌دارم. همچنین از آقای محمود علیمحمدی، بخاطر اظهار نظر ها و ویرایش مقاله، تشکر می‌کنم.

منبع

وزارت فرهنگ و آموزش عالی، برنامه توسعه بلندمدت آموزش عالی، تهران،

۱۳۷۵.

شمار دانشجویان و فضاهای آموزشی تخصیص یافته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی در مراحل مختلف فرآیند توسعه تا سال ۱۴۰۰

امکان اضافی برای دانشجویان	تخمین بر پایه ۲۰٪ سهم بخش دولتی (به استثنای دانشگاه‌های علوم پزشکی)	درصد امکان استفاده شده در پایان برنامه توسعه**	شمار دانشجویان در توسعه	فصلی آموزشی (موجود و در دست ساختمان)	شمار دروسال ۱۳۷۷	دانشگاه	استان
۵۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۲۹/۲	۱۲۰۰۰	۹۲۸۷	۸۸۳۵	تبریز	آذربایجان شرقی
-	۴۲۰۰	۱۱۸/۶	۳۰۰۰	۲۵۳۰	۹۳۱	تربیت معلم تبریز	آذربایجان غربی
-	۴۸۰۰	۱۰۷/۳	۱۴۰۰	۱۳۰۵	۳۳۵	صنعتی سهند	اردبیل
-	۱۰۸۰۰	۱۱۹/۷	۸۰۰۰	۶۶۸۵	۳۱۰۳	اوربیه	اصفهان
-	۷۰۰۰	۱۴۴/۹	۱۸۰۰	۱۲۴۲	۱۱۲۰	اردبیل	
-	۱۴۵۰۰	۲۲۴/۲	۱۲۰۰۰	۵۳۵۳	۱۱۹۵۰	اصفهان	
-	۱۰۰۰۰	۱۵۷/۱	۸۰۰۰	۵۰۹۳	۷۴۰۲	صنعتی اصفهان	
۱۴۰۰	۴۴۰۰	۱۸۵/۶	۲۶۰۰	۱۴۰۱	۲۵۹۱	کاشان	ایلام
۲۸۰۰	۳۲۰۰	۱۲۱/۸	۱۸۰۰	۱۴۷۸	۶۴۱	ایلام	بوشهر
-	۵۶۰۰	۱۹۲/۳	۷۰۰	۳۶۴	۱۹۶	بوشهر	تهران
۶۰۰	۵۰۰۰	۳۰۷/۸	۴۸۳۵	۱۵۷۱	۴۸۳۵	الزهرا	
-	۵۰۰۰	۱۱۷/۳	۵۰۰۰	۴۲۶۲	۲۸۲۱	تربیت مدرس *	
۲۰۰۰	۸۰۰۰	۲۳۹/۸	۷۵۰۰	۳۱۲۷	۷۴۱۹	تربیت معلم تهران	
-	۲۷۰۰۰	۹۹/۳	۲۷۰۰۰	۲۷۱۸۶	۲۴۱۵۵	تهران *	
۱۰۰۰	۱۳۰۰۰	۲۹۱/۴	۱۲۷۷۵	۴۳۸۴	۱۲۷۷۵	شهید بهشتی	
۲۰۰۰	۸۰۰۰	۹۵/۳	۸۰۰۰	۸۳۹۴	۶۷۲۵	صنعتی امیرکبیر	

* بخشی از فضای آموزشی این دانشگاه به شهری دیگر انتقال یافته است.

جدول دانشجویان آموزش عالی در هر استان در سال ۱۴۰۰

ردیف	استان	شمار دانشجویان در سال ۱۴۰۰	شمار دانشجویان در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت در استان
۱	آذربایجان شرقی	۱۷۸۰۰۰	۳۰۰۰
۲	آذربایجان غربی	۱۱۴۰۰۰	۲۸۰۰
۳	اردبیل	۵۰۰۰۰	۲۵۰۰
۴	اصفهان	۱۹۳۰۰۰	۳۰۰۰
۵	ایلام	۱۶۰۰۰	۲۱۰۰
۶	بوشهر	۳۱۰۰۰	۲۱۰۰
۷	تهران*	۶۶۰۰۰۰	۳۰۰۰
۸	چهارمحال بختیاری	۳۴۰۰۰	۲۱۰۰
۹	خراسان	۳۳۷۰۰۰	۳۰۰۰
۱۰	خوزستان	۱۵۷۰۰۰	۲۸۰۰
۱۱	زنجان*	۴۴۰۰۰	۲۶۰۰
۱۲	سمنان	۲۶۰۰۰	۲۸۰۰
۱۳	سیستان و بلوچستان	۶۳۰۰۰	۲۱۰۰
۱۴	فارس	۲۶۳۰۰۰	۳۰۰۰
۱۵	کردستان	۴۵۰۰۰	۲۱۰۰
۱۶	کرمان	۱۰۶۰۰۰	۲۸۰۰
۱۷	کرمانشاه	۷۷۰۰۰	۲۵۰۰
۱۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱۸۰۰۰	۲۱۰۰
۱۹	گیلان	۱۰۸۰۰۰	۲۸۰۰
۲۰	لرستان	۶۵۰۰۰	۲۵۰۰
۲۱	مازندران*	۲۱۸۰۰۰	۲۸۰۰
۲۲	مرکزی	۵۷۰۰۰	۲۸۰۰
۲۳	هرمزگان	۴۲۰۰۰	۲۱۰۰
۲۴	همدان	۹۰۰۰۰	۲۸۰۰
۲۵	یزد	۳۲۰۰۰	۲۸۰۰
	کل	۳۰۲۴۰۰۰	۲۸۰۰

* ارقام مربوط به سه استان جدید قم، قزوین و گلستان، به ترتیب در استانهای تهران، زنجان و مازندران گنجانیده شده‌اند.

شمار دانشجویان و فضاهای آموزشی تخصیص یافته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی در مراحل مختلف فرآیند توسعه تا سال ۱۴۰۰

امکانی اضافی برای دانشجویان	تخمین برپایه ۲۰٪ سهم بخش دولتی (به استثنای دانشگاه‌های علوم پزشکی)	درصد امکان استفاده شده در پایان برنامه اول توسعه**	شمار دانشجویان در پایان برنامه اول توسعه	فضای آموزشی (موجود و در دست ساختمان)	شمار دانشجویان در سال ۱۳۷۲	دانشگاه	استان
۲۵۰۰	۵۰۰	۱۶۱/۸	۵۰۰	۳۰۹	۶۵	علوم پایه، دامغان	سیستان و بلوچستان
۵۳۰۰	۵۵۰۰	۲۶۱/۴	۸۲۴۰	۳۱۵۲	۸۳۳۸	سیستان و بلوچستان * شیراز	فارس
-	۲۴۴۰۰	۱۸۷/۴	۱۲۰۰۰	۶۴۰۲	۱۰۷۳۲	کرمان	کرمان
-	۷۶۰۰	۱۶۴/۴	۲۵۰۰	۱۵۲۱	۱۱۱۵	شهید باهنر کرمان	کرمان
۱۰۰۰	۹۰۰۰	۱۱۵/۸	۸۴۰۰	۷۲۵۴	۷۵۴۷	ولی عصر، رفسنجان	کرمان
-	۴۱۰۰	۲۰۵/۳	۱۰۰۰	۴۸۷	۱۵۹	رازی	کرمانشاه
-	۱۲۰۰۰	۲۱۳/۶	۴۸۰۰	۲۴۴۷	۳:۱۹	گیلان	گیلان
-	۱۰۶۰۰	۱۴۱/۰	۵۴۰۰	۳۸۳۱	۵۳۹۴	لرستان	لرستان
-	۸۲۰۰	۱۴۵/۹	۳۱۰۰	۲۱۲۵	۱۲۳۰	مازندران	مازندران
۱۸۰۰	۱۰۲۰۰	۱۱۷/۴	۶۰۰۰	۵۱۱۰	۴۰۰۸	علوم کشاورزی گرگان	مازندران
-	۷۸۰۰	۱۶۳/۰	۲۱۵۰	۱۳۱۹	۱۱۲۱	تربیت معلم اراک	مرکزی
-	۷۰۰۰	۳۵۶/۶	۲۳۰۰	۶۴۵	۲۲۸۳	مرکز پژوهش فخرش	مرکزی
۶۰۰	۲۴۰۰	۱۶۲/۱	۲۰۰۰	۱۲۳۴	۳۸۴	هرمزگان و کشتی سازی	هرمزگان
-	۶۲۰۰	۲۰۹/۲	۵۰۰	۲۳۹	۳۶۲	بوعلی سینا	هرمزگان
-	۱۱۶۰۰	۷۷/۸	۶۵۰۰	۸۳۵۷	۲۸۲۷	یزد	همدان
۹۰۰۰	۵۰۰۰	۸۲/۹	۴۸۰۰	۵۷۸۹	۳۵۹۰	کل	یزد
۶۹۵۰۰	۳۸۴۶۰۰	۱۴۵/۶	۲۷۴۱۲۰	۱۸۸۲۳۳	۲۰۸۵۰۰		

شمار دانشجویان در هر مرحله
 فضاهاى آموزشى (موجود و در دست ساختمان) = ** درصد اماکن استفاده شده